

جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه

سیدعلی اصغر علوی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیستم
- بهار ۹۷

جواز جاسوسی
برای نظام سیاسی
در فقه شیعه
(۱۴۱ تا ۱۵۶)

چکیده

جواز جاسوسی آثار فراوانی بر امنیت جامعه دارد و در نظام سیاسی اسلامی یکی از مباحث پر دامنه و چالش برانگیزی است که در برخی محافل علمی مورد بحث و کنکاش قرار می‌گیرد، و هدف از آن حفظ نظام در برابر دشمنان و پاسداری از دستاوردهای آن است. در راستای فرایند اداره مطلوب جامعه و رفع مشکلات امنیتی حکومت از سوی حاکم اسلامی، جاسوسی به مثابه یک رکن در نظام سیاسی نگریسته می‌شود و همه ادله نقلی و عقلی که می‌تواند پشتوانه جواز آن قرار گیرد، کنکاش می‌شود. البته اصل اولی عقلی عدم جواز تجسس در امور شخصی دیگران است، ولی جاسوسی به دلیل رعایت مصالح نظام سیاسی جایز، و گاهی واجب تلقی شده است. در نوشته حاضر با تجزیه و تحلیل ادله و ارزیابی جاسوسی، ضوابط و گستره آن از منظر فقه شیعه روشن می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

جاسوسی، جواز، فقه شیعه، نظام سیاسی.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (alaviedetaha@gmail.com)

مقدمه

مسأله جاسوسی از مسائل چالش‌برانگیز در فقه و متون دینی بوده و ناظر به فعالیت فردی است که به‌طور پنهانی و نامحسوس به گردآوری اطلاعات می‌پردازد و از این رهگذر، به اهدافی دست می‌یابد. از زمان تکوین نخستین جوامع بشری تا شکل‌گیری دولت‌های مدرن اندیشه سامان‌بخشی به حکومت و رفع نیازهای سیاسی و امنیتی آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمان و فرمانروایان بوده است. بر این اساس، دولت‌ها در راستای رفع نیازی‌های خود و استحکام‌بخشی به تشکیلات حکومتی خود و مصونیت آن در برابر رخنه دشمنان اطلاعات و اخبار را جمع‌آوری می‌کردند. حفاظت و امنیت در عرصه‌های گوناگون حکومت، همواره مورد توجه حکومت‌ها بوده است؛ زیرا هیچ نظام و حکومتی در جهان بدون داشتن دستگاه اطلاعاتی مقتدر نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. بنابراین، دولت‌ها ناگزیرند در این زمینه گام‌هایی در تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی بردارند. کارکرد این سازمان‌ها و تشکیلات، جمع‌آوری اطلاعات از جریان‌های درونی و از دشمنان خارجی نظام در راستای مقابله با نفوذ دشمنان و حفظ اسرار نظام از آسیب‌های احتمالی است. امروزه، هنر جاسوسی و کسب اطلاعات از نیروها و امکانات دشمن بیشترین توجه را در میان حکومت‌ها به خود معطوف کرده است، به‌طوری که در دانشگاه‌ها دانشجویانی را در این راستا پرورش می‌دهند؛ زیرا پیروزی و برتری بر دشمنان و مصون‌ماندن نظام در برابر رخنه منافقین داخلی و دشمنان خارجی در گرو اطلاعات و اخبار درباره نیروها، تجهیزات و نقشه‌های آنان است. در زمینه اهمیت جاسوس و جاسوسی ناپلئون می‌گوید: «در جنگ‌ها، داشتن یک مرد هوشمند متخصص امور اطلاعات از هزار رزمنده میدان جنگ برای پیروزی مؤثرتر است».

حکومت اسلامی چاره‌ای جز این ندارد که به این مسأله مهم و حیاتی توجه کرده و از آن طریق نظام اسلامی را تقویت کند. همان‌طور که شخص پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) در جنگ‌های گوناگون، برنامه‌ریزی برای کسب اطلاعات از دشمن را معمول می‌داشتند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۲۰). بسیاری از کشورها سازمان‌های جاسوسی گسترده‌ای به وجود آورده‌اند، که به وسیله آن‌ها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، به جمع‌آوری اطلاعات و اسرار از کشورهای دیگر می‌پردازند. فلسفه وجودی سازمان‌هایی مانند سیا در آمریکا، گشتاپو در آلمان نازی، و موساد در اسرائیل، کسب اطلاعات و اخبار به نفع کشورهای متبوع خود است. البته نوع، روش و هدف سازمان‌های اطلاعاتی در کشور اسلامی با سایر کشورهای غربی و غیراسلامی قدری متمایز است. همچنین، میان اقوام و ملل مسئله جاسوسی و تربیت جاسوس مورد توجه بوده است. برای

مثال، در میان مصری‌ها از پنج هزار سال پیش، سازمان‌های جاسوسی شکل گرفته، و جاسوسی به عنوان یک هنر مهم میان آنان مورد توجه بوده است و در یونان باستان نیز این مسئله سابقه‌ای طولانی دارد، به طوری که داستان‌های جاسوسی به اشعار هومر شاعر یونانی راه یافته است (جعفری، ۱۳۷۱: ۳۱).

در هر صورت، جمع‌آوری اخبار و اسرار نظامی و امنیتی از دیرباز در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه جنگ‌ها متداول بوده است و افرادی به عنوان جاسوس تحرکات نظامی دشمن را زیر نظر می‌گرفتند، یا به‌طور ناشناس داخل حیطه نظامی دشمن می‌شدند و اطلاعات به‌دست‌آمده را به فرمانده خود گزارش می‌کردند. در جنگ‌های اسلامی نیز این شیوه معمول بوده است و مسلمانان به این مسأله توجه ویژه‌ای داشتند. البته مسأله جاسوسی به عنوان موضوعی مستقل در آثار فقهی فقیهان مورد بحث قرار نگرفته است اما در ذیل برخی از عناوین و ضوابط مانند حفظ نظام می‌تواند قرار گیرد. در همین زمینه، شیخ طوسی از فقیهان شیعه بر این باور است که هرگاه اصل و کیان اسلام در خطر باشد، جهاد و دفاع از نظام اسلامی و دستاوردهای آن واجب است (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۰)، و از آنجا که بدون جاسوسی و کارهای اطلاعاتی نظام و اساس اسلام پایدار نمی‌ماند، جاسوسی واجب خواهد بود. ابن ادریس حلی مانند شیخ طوسی بر این باور است که حفظ بیضه اسلام از واجبات است؛ با این تفاوت که ایشان مانند شهید ثانی بیضه اسلام را به اصل اسلام و جامعه اسلامی تفسیر کرده است (مرورید، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۷). شیخ انصاری در بحث حفظ و اقامه نظام بر اصل ضروری و واجب بودن آن تکیه می‌کند و با توجه به این اصل برخی مشاغلی را که نظام اسلامی بر آن‌ها متوقف است، واجب کفایی می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۳۷). امام خمینی در راستای اهمیت حفظ نظام اسلامی می‌گوید: «حفظ اسلام از واجبات مؤکد است و اختلال در امور مسلمانان امری ناپسند و مبعوض است و نظام اسلامی برپا نمی‌ماند و از اختلال آن نیز جلوگیری نمی‌گردد، مگر به وسیله والی و حکومت» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۶۱۹). آیت‌الله مکارم نیز نظیر همین سخن را مطرح کرده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۵۰۴).

با توجه به آنچه بیان شد، باید گفت حفظ نظام اهمیت ویژه‌ای دارد و صیانت از نظام سیاسی در گرو مراقبت و انجام‌دادن فعالیت‌های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی از دشمن یا فرستادن جاسوس به کشورهای دشمن و کنترل برخی عناصر مشکوک به خرابکاری است.

نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا اساساً جاسوسی برای نظام اسلامی جایز است؟ ادله نقلی و عقلی آن کدامند؟ چه گستره و ضوابطی دارد؟

و ... با توجه به مباحث یادشده، این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی پردازش شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جاسوس در لغت

جاسوس در لغت به فردی گفته می‌شود که از راه‌های مخفیانه و بی‌سروصدا در پی به‌دست آوردن اخبار است. ابن‌منظور می‌گوید: الجاسوسُ؛ العینُ یتَجَسَّسُ الأخبارَ ثم یأتی بها، و قیل: الجاسوسُ الذی یتَجَسَّسُ الأخبارَ. جاسوس یعنی کسی که با هدف دسترسی به اخبار به جست‌وجو می‌پردازد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸). جوهری می‌گوید: «جسست الأخبار و تجسستها» یعنی از اخبار تفحص کردم و جاسوس از همین واژه گرفته شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳: ۹۱۳). در کتاب مقایس اللغه در معنای «جس» می‌نویسد: هو تعرف الشيء بمسّ لطیف، و الجاسوس فاعول من هذا؛ لانه یتخبّر ما یریده بخفاء و لطف؛ «جس» شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است. جاسوس - بر وزن فاعول - نیز از همین باب است؛ زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی‌سروصدا به دست می‌آورد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۱۴). در مفردات می‌گوید: معنای اصلی جسّ - لمس کردن و گرفتن نبض و شناختن تپش آن برای حکم کردن درباره سلامتی و بیماری است، که این معنای ریشه‌ای اخصّ از حسّ - است زیرا حسّ - شناسایی از راه ادراک حسی است ولی جسّ - شناختن حال غیر از راه حسی - است. و از واژه - جس - لفظ جاسوس مشتق شده است (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۶). از این رو جاسوس به فردی گفته می‌شود که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای یا کشوری را مخفیانه گردآوری کند و به دیگران انتقال دهد.

۱-۲. جاسوس در اصطلاح

بر اساس یافته‌های تحقیق و نگرش برخی فقهای عظام برای تجسس و جاسوسی اصطلاح شرعی یا متشرعی در شریعت اسلام وارد نشده است و اگر در جایی هم به عنوان موضوع حکمی به کار رفته باشد، باید به معنای لغوی آن حمل شود (مشکینی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). اکثر فقیهان، جاسوسی را تعریف نکرده و در ابواب فقهی بایی را به این مسئله اختصاص نداده‌اند، ولی در لابه‌لای بحث‌ها به‌طور پراکنده، مورد توجه قرار گرفته است. در متون دینی به جای «جاسوس» غالباً تعبیر «عین» به کار گرفته شده است. به نظر آیت‌الله میانجی، تجسس فقط در جایی است که با انگیزه شرّ انجام گیرد، البته ریشه نگرش وی را می‌توان در تعابیر برخی اهل لغت یافت، مانند الجاسوس صاحب سر الشرّ أو قولهم تجسسّ أی استمع و طلب الخبر فی الخیر و بالجیم فی الشرّ؛ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸)؛

جاسوس آن است که دربردارنده اخبار فتنه‌انگیز باشد؛ تجسس یعنی در نهان گوش فرادادن و در امور نیکو کسب خبر کردن و تجسس یعنی در امور فتنه‌انگیز کسب خبر کردن (احمدی میانجی، بی تا: ۱۳۲). به نظر می‌رسد برخلاف نظر برخی علمای لغت، جاسوسی و تجسس، معنای فراشمولی دارد و همه عرصه‌های تفحص را دربرمی‌گیرد؛ اعم از اینکه برای خود یا دیگری باشد یا به انگیزه شر یا به قصد خیر؛ از امور بد یا کارهای نیک باشد. با توجه به آموزه‌های اسلامی و مبانی علمی، می‌توان ادعا کرد دو واژه تجسس و جاسوسی از یک ریشه و هم‌خانواده می‌باشند و تنها تفاوت در این است که تجسس در حوزه خصوصی و جاسوسی در حوزه عمومی رخ می‌دهد. بر این مبنا، مقاله حاضر به واکاوی حکم جاسوسی می‌پردازد و به تبع آن در لابه‌لای مباحث، تجسس را که یکی از بارزترین کارهای جاسوسان است، تبیین خواهد کرد. جاسوسی از این نگاه که هم می‌تواند در حوزه دشمن صورت گیرد و هم علیه مسلمان و نظام اسلامی به کار گرفته شود. بر دو نوع تقسیم می‌شود: یکی جاسوسی برای دشمنان نظام اسلامی؛ و دیگری جاسوسی به نفع نظام اسلامی. هر یک از این اقسام احکام خاصی در شریعت اسلامی دارند که در اینجا جاسوسی به نفع نظام اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد، و ادله و مستندات آن را واکاوی و کنکاش می‌شود.

اهمیت ضابطه تزاحم مصلحت اهم و مهم در گستره فقه به اندازه‌ای است که می‌توان آن را از ارکان پویایی فقه برشمرد، بلکه این عنصر در حل مسائل گوناگون راهگشا بوده است و در برون‌رفت از مشکلات خاص و تسهیل امور زندگی مؤمنان، تأمین اهداف غایی، ضرورت‌های ناشی از مشکلات اداره شایسته امور مردم و چالش‌های فراروی تقابل میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها رخ می‌نماید. شیخ انصاری در کتاب مکاسب به فرایند اهتمام به اهم اشاره کرده و اظهار می‌کند اگر در غیبت کردن، کسی، مصلحتی در کار باشد، که عقلاً یا شرعاً آن مصلحت، بزرگ‌تر و با اهمیت‌تر از مصلحت احترام مؤمن باشد، در این صورت واجب است طبق مصلحت اهم عمل کرد، همان‌طور که در دیگر گناهان نیز حکم همین است (انصاری، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۴۲). بنابراین، از نظر شیخ اعظم، ضابطه کلی در محرمات چنین است که در صورت تزاحم مصلحت مهم با اهم باید مطابق با مصلحت اهم حکم کرد و با اهتمام به «اهم» از «مهم» چشم پوشید. برای نمونه اگر نجات غریق موقوف باشد بر اینکه در خانه مردم وارد شده، یا در اموال آنان تصرف کنیم، از آنجا که مصلحت حفظ نفس اهم است، ورود در خانه مردم یا تصرف در اموال آنان جایز می‌شود، یا اینکه نگاه کردن به نامحرم حرام است ولی اگر معالجه کسی بدون نگاه میسر نیست، به طور یقین حلال یا واجب می‌شود. باید افزود که این قاعده در علم اصول مورد بحث

قرار گرفته و مورد قبول همگان است. برخی فقها از آن به عنوان یکی از قواعد فقهی یاد کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۵۰۵).

۲. ادله جواز جاسوسی

ادله فراوانی وجود دارد که جاسوسی از دشمنان را مطلوب می‌داند و جواز آن را اثبات می‌کند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن ادله را به دو قسم، نقلی و عقلی تقسیم کرد:

۲-۱. ادله نقلی

احادیث زیادی وجود دارد که مسأله جاسوسی را در راستای حفظ موجودیت نظام اسلامی جایز شمرده است، گرچه این ادله از باب عنوان ثانوی قابل ارزیابی است، و از باب عنوان اولی نمی‌توان این دلایل را مستمسک قرار داد. طبق بررسی انجام گرفته در گفتار و سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) این مطلب نمایان می‌شود که آن بزرگواران در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، نسبت به جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات برای اشراف اطلاعاتی بر اهداف خود، توجه ویژه‌ای داشته‌اند و از ابزارهای گوناگون و روش‌های مناسب برای کسب اطلاعات برای هدف خاصی استفاده می‌کردند و این مهم در اخبار و روایات انعکاس یافته است. در ادامه، این ادله بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. آیات

در پاره‌ای از آیات قرآن کریم جاسوسی برای حفظ نظام سیاسی مطلوب دانسته شده است. در اینجا برخی از آن‌ها برای نمونه نقل می‌شود.

الف) قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر دشمن] آماده باشید [= اسلحه خود را بگیرید] و گروه‌گروه [به جهاد] بیرون روید یا به‌طور جمعی روانه شوید. «حذر» بر وزن «خضر» به معنای بیداری و آماده‌باش و مراقبت در برابر خطر است و گاهی به معنای وسیله‌ای که به کمک آن با خطر مبارزه می‌شود آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲). صاحب فتح‌التقدیر در ذیل آیه چهارم سوره منافقون در تفسیر «فأحذروهم» چنین بیان شده است: مراقب و مواظب باش از اینکه دشمنان فرصتی یافته و به اسرار تو آگاهی پیدا کنند، چون آن‌ها عیون و جاسوسان دشمنان تو می‌باشند (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۷۶). مرحوم فیض در کتاب تفسیر خود می‌نویسد: «حذر» به معنای بیداری و آمادگی در برابر دشمنان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۲۱). بر این اساس، نظام اسلامی باید از اشراف اطلاعاتی بر دشمن به منظور خنثی کردن برخی نقشه‌ها و توطئه‌ها برخوردار

باشد. مرحوم طبرسی در معنای واژه «حذر» دو احتمال مطرح می‌کند: یکی این که معنای آن «احذروا عدوکم باخذ السلاح» است؛ یعنی با برداشتن سلاح جنگ، از دشمنان حذر کنید و پرهیزید. همان‌طور که به شخصی گویند: «خذ حذرک»، یعنی حذر کن؛ دوم این که اسلحه خود را بردارید. بنابراین، اسلحه را «حذر» نامیده است؛ زیرا اسلحه وسیله‌ای است که انسان به وسیله آن خود را از خطر حفظ می‌کند. از امام باقر(ع) نیز چنین روایت شده است. بدیهی است که معنای دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد چون با قواعد کلام عرب سازگاری بیشتری دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۱۲). به‌طور کلی، هر نظام سیاسی برای حفظ موجودیت و استقلال خود، باید آمادگی لازم برای دفاع را داشته باشد، به‌ویژه اگر نظامی بر اساس آرمان‌های دینی شکل گرفته باشد که دشمنان فراوانی خواهد داشت. بنابراین، خداوند سبحان به حفظ آمادگی رزمی و تاکتیکی دستور می‌دهد، البته گستره آمادگی فراتر از داشتن تجهیزات و آلات مدرن جنگی و لجستیکی است، بلکه می‌توان به‌طور قطع ادعا کرد که اشراف اطلاعاتی و هوشیاری در نبرد و زیرنظر گرفتن دشمن در صدر سایر آمادگی‌ها قرار دارد.

ب) قرآن کریم در آیه ۴۷ سوره توبه می‌فرماید: «... وَ فِیکُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ...» در معنای «سماع» دو احتمال داده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۳۵): یکی به معنای کسی است که حال پذیرش در او زیاد است و بدون بررسی و دقت هر سخنی را باور می‌کند؛ و دیگری به معنای جاسوس و سخن‌چین؛ یعنی در میان شما گروهی از افراد هستند که برای گروه منافقان جاسوسی می‌کنند. طبق احتمال دوم آیه بر این سخن تصریح می‌کند که در میان مسلمانان افرادی به عنوان جاسوس وجود دارند و اخبار را جمع می‌کنند و به دشمنان می‌رسانند. بدیهی است حفظ اسرار نظام اسلامی امری واجب و لازم است و به‌دست آوردن این امر میسر نیست مگر با وجود سیستم اطلاعاتی منسجم و با پرورش و تربیت نیروهای اطلاعاتی توانمند و جاسوسانی زبردست و زیرک تا رفتار دشمنان اسلام را در عرصه‌های گوناگون رصد کرده و با شناسایی عناصر دشمن توطئه‌های آنان را خنثی کنند.

ج) قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»؛ در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده کنید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد. همان‌طور که مشخص است، جمله «ما استطعتم» عام و کلمه «قوه» به صورت «نکره» آمده و عمومیت آن را تقویت می‌کند، بنابراین، هر گونه نیرو و ابزارهای آمادگی در نبرد را

شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۴). مطابق با این معنا، داشتن سیستم اطلاعاتی در حکومت اسلامی برای شناسایی اهداف و تحرکات دشمن یکی از اساسی‌ترین ابزارهای آمادگی به شمار می‌رود. مسلمانان در فتح مکه، با آنکه قدرت بالایی داشتند، از نیروهای اطلاعاتی استفاده کردند. به طوری که فتح مکه در سه مرحله انجام گرفت: نخست، مرحله مقدماتی یعنی فراهم کردن قوا و جمع‌آوری اطلاعات کافی از موقعیت دشمن و کم و کیف نیروی جسمانی و روحیه آن‌ها بود که این مهم بدون داشتن جاسوسان و نیروهای ویژه امکان‌پذیر نیست. مرحله دوم، مقام انجام‌دادن بسیار ماهرانه فتح بود و در نهایت، مرحله پیامدها و آثار آن بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۴۰۳).

۲-۱-۲. روایات

در گفتار و سیره عملی پیامبر اسلام و ائمه اهل بیت (ع) روایات فراوانی وارد شده که گویای این مطلب است که آن بزرگواران در عرصه‌های گوناگون در راستای حفاظت از کيان جامعه اسلامی مأمورانی برای جمع‌آوری اطلاعات قرار داده بودند تا آنچه که ارتباط با سرنوشت جامعه اسلامی داشت، برای آن‌ها گردآوری کنند.

الف) امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: جاسوس‌ها و مراقب‌ها را از راستان و وفاداران به مردم [برگزین و] بفرست؛ چرا که پیمان نهانی تو با آن‌ها در امور و وظایفشان، آنان را به امانتداری و مدارا با توده مردم سوق می‌دهد (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۵).

ب) امیرالمؤمنین (ع) در بیان آنچه باید حاکم درباره کارکنان و زیردستانش رعایت کند، خطاب به مالک اشتر فرمود: ...افزون بر این، از گماردن مراقبانی امین و حق‌گو با مردم، بر کارکنان دریغ مکن تا فساد هر مفسدی از زیردستان را گزارش دهند و مردم بدانند که تو از کم‌کاری و ناکارایی آنان با خبری (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴: ۱۳۴).

ج) البلاذری در *انساب الاشراف* می‌نویسد: علی (ع) هنگامی که ابوالاسود دؤلی از خیانت کارگزاران آن حضرت خبر داد، چنین نوشت: نامه تو را دریافتیم؛ مانند توست که خیرخواه امام و امت است و راهنمای برحق و پاره‌کننده [و از بین‌برنده] ستم. در مورد آنچه نوشته بودی برای همراه و همکارت نامه‌ای نگاشتیم و [البته] او را از نامه تو آگاه نکردم. از این پس، «خبردهی» را رها مکن و هر آنچه درنگ در آن را به صلاح امت دیدی گزارش کن؛ چه آنکه سزاوار آن هستی و این بر تو واجب است. والسلام (البلاذری، ۱۹۷۴، ج ۲: ۱۷۰). شایان توجه است که امام (ع) در این روایت، فراتر از جواز جاسوسی، وجوب آن را نمایان کرده است.

د) در حدیث دیگری بیان شده است که امام موسی بن جعفر (ع) به سخنان دو نفر از غلامان خود که در حال صحبت با دو تن از کنیزکان بودند گوش فراداد و فردای آن

روز، غلام‌ها را به شهری و کنیزها را هم به شهر دیگر فرستاد (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۳۱). بر اساس این حدیث شریف، حضرت برای کشف اعمال نادرست غلامان و کنیزان خود تحقیق و تفتیش کرد و از آنجا که عمل معصوم (ع) حجت است، پس عمل امام حاکی از جواز جاسوسی و کسب اطلاعات در چنین موارد است.

ه) مسلمانان با آنکه توانایی بسیار بالایی داشتند، در راستای حفاظت از دستاوردهای به‌دست‌آمده، و پیشبرد اهداف والای خود اقدام به تفتیش و بازرسی برخی عناصر مشکوک می‌کردند، و شخص پیامبر بر این امر توجه ویژه‌ای داشت، به‌طوری که پیش از فتح مکه پیامبر سپاه عظیمی را فراهم کرد تا به سوی مکه حرکت کند، و تصمیم بود این قضیه به صورت سری انجام گیرد. یکی از مسلمانان به نام «حاطب بن ابی بلتعنه» نامه‌ای خطاب به سران مکه نوشت و در آن، تصمیم پیامبر را گزارش کرد و آن را به دست زنی سپرد تا مشرکان را از قصد پیامبر برای فتح مکه آگاه کند. آن‌گاه پیامبر به وسیله جبرئیل از این ماجرا آگاه شد. پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) را نزد خود فراخواند و ایشان را از قضیه با خبر کرد و فرمود: خود را به آن زن برسان؛ نامه را از او گرفته و نزد من بیاور. پس از آن، پیامبر زبیر را نیز خواست و به او فرمود: در این کار علی بن ابی طالب (ع) را همراهی کن، آن دو از بیراهه حرکت کردند و در محلی آن زن را یافتند. زبیر پیش‌دستی کرده و از زن درباره نامه سؤال کرد، آن زن به دروغ سوگند یاد کرد که نزد او نامه‌ای نیست، زبیر باور کرد. بعد امیرالمؤمنین (ع) شمشیر را بیرون آورد و خطاب به او فرمود: «قسم به خدا چنانچه نامه را بیرون نیآوری گردنت را خواهم زد»، و زن که چاره‌ای جز بیرون آوردن نامه نداشت، آن‌گاه نامه را از لای موه‌های خود بیرون کشید. امیرالمؤمنین نامه را از وی گرفت و نزد پیامبر برد (مفید، ۱۴۱۳، ج: ۱، ۵۶). این داستان را بخاری در صحیح خود و فخر رازی در تفسیر خود، همچنین در تفسیر روح‌المعانی و روح‌البیان و فی‌الذلال و قرطبی و مراغی و دیگران با تفاوت‌هایی نقل کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج: ۲۴، ۱۱). در سنن بیهقی افزون بر آنچه گذشت، دستور پیامبر به تفتیش و بازرسی نیز آمده است، مطابق با نقل بیهقی، روایت به‌صراحت جواز جاسوسی و تجسس را می‌رساند. لکن بر اساس نقل نخست، از راه دیگری می‌توان مفهوم تجسس و تفتیش را استنباط کرد و آن اینکه تنها پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) از این ماجرا خبر داشتند (خرازی، ۱۳۸۰: ۸۴).

و) در جنگ احزاب هنگامی که سختی شرایط، اضطراب و محاصره بر مسلمانان فشار می‌آورد آن‌گاه خبر اختلاف و دودستگی دشمن به گوش پیامبر رسید. آن حضرت بی‌درنگ حذیفه را خواست و به او را مأموریت داد به میان دشمن رفته و اطلاعات را

جمع آوری کند. حذیفه بن یمان می گوید: در جنگ خندق، پاسی از شب گذشته بود که پیامبر خدا مرا به سوی خود فراخواند و فرمود: «ای حذیفه هم اکنون به سوی دشمن برو و اخباری را از آن‌ها به دست بیاور، و پیش هیچ کس سخنی را اظهار نکن تا نزد من بیایی». در این جریان، پیامبر به صراحت، دستور به جاسوسی و جمع آوری اخبار و اطلاعات از دشمن می دهد و فردی را به عنوان جاسوس برای این کار می گمارد. و در ادامه، حذیفه نقل می کند بر اساس دستور پیامبر به میان دشمن رفتیم. در این هنگام ابوسفیان را دیدم که به پاخاست و گفت: هر کس همنشین خود را بشناسد تا معلوم شود که جاسوسی میان ما نیست. و در ادامه، حذیفه می گوید: من دست شخصی را که در کنار من نشسته بود گرفتم و پرسیدم تو کیستی؟ او گفت فلانی. زمانی که ابوسفیان مطمئن شد که بیگانه‌ای میان آن‌ها نیست. گفت: اینجا نمانید، و خود من نیز همین حالا اینجا را ترک می کنم. حذیفه می گوید، من به سوی پیامبر بازگشتم و جریان را به آن حضرت گزارش کردم (ابن هشام الحمیری، بی تا، ج ۲: ۲۳۲). نکته شایان توجه این است که آگاهی از حرکات دشمن حتی در امور اقتصادی نیز واجب و لازم است، بنابراین، پیامبر اسلام (ص) درباره کاروان تجارتی ابوسفیان جاسوسی بنام «بسیسه» گمارد تا اینکه بتواند از این رهگذر به اهداف خود نائل آید (القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۶: ۴۴).

اینها برخی روایات و جریاناتی است که همگی مطلوب بودن جاسوسی را در راستای نیاز جامعه اسلامی اثبات می کرد، که در اینجا به اختصار مورد توجه قرار گرفت.

۲-۲. دلیل عقلی

به نظر می رسد بنای عقلا و روش عملی خردمندان، دلیل و پشتوانه بزرگی در تحقق جواز جاسوسی باشد. انسان‌ها در زندگی اجتماعی خویش برای حفظ تشکیلات حکومتی خود نیاز مبرم به حفاظت و صیانت از حکومت و تشکیلات سیاسی دارند. بی تردید نظام سیاسی اسلامی از ارکان و نهادهایی تشکیل می یابد؛ از جمله قوای سه گانه نیروی دفاعی و جنگی برای رویارویی با کفار، منافقان و پیمان شکنان، مراکز فرهنگی و مؤسسه‌های اقتصادی. حفاظت و صیانت از این عناصر اقتضا می کند که حاکم اسلامی بر همه آن‌ها نظارت و اشراف کامل داشته باشد. در واقع، این نظارت و مراقبت به مثابه حفظ نظام است که از اهم واجبات است و عقل به آن حکم می کند؛ چه آنکه نظام اسلامی جز با مراقبت، پایدار نمی ماند و هرچه بقا نظام متوقف به آن باشد، به ضرورت و بداهت عقلی واجب است. بنابراین، مراقبت ویژه از دستاوردهای نظام بر حاکم و زمامدار اسلامی واجب و لازم است. بدیهی است که حفظ نظام بر حفظ احترام اسرار مؤمن برتری دارد؛ زیرا در اسلام، دفاع از حکومت و نظام اسلامی هر چند با جنگ و کشتار باشد - حتی با کشته شدن

خود امام معصوم (ع) لازم است و اگر ریخته شدن خون در راه حفظ نظام - که واجب است - لازم باشد، تفتیش و تجسس به طریق اولی جایز یا در شرایطی واجب خواهد بود.

۳. ادله منع جواز جاسوسی

در این بخش از نوشتار، پیش از واکاوی ادله حرمت، نگرش فقهی فقیهان در این زمینه بررسی می‌شود و در پی آن، ادله به کنکاش می‌شود. اصل عدم جواز جاسوسی و تفتیش از حریم دیگران در فقه شیعه مورد اتفاق بوده و به اجماع فقیهان حرام است. البته ممکن است فقها در برخی مصادیق اختلاف داشته باشند. برخی فقها به طور صریح، ادعای اجماع کرده‌اند، که عبارت‌اند از محقق اردبیلی ادعای اجماع بر حرمت تجسس و جاسوسی می‌کند (اردبیلی، بی تا: ۳۱۲). صاحب جواهر در کتاب گران سنگ جواهر الکلام نیز قائل به اتفاق بوده است و عدم جواز تجسس را از بدیهیات دین دانسته و مرتکب این عمل را فاسق می‌نامد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۳: ۲۹۸). در این میان، برخی فقها مانند محمدجواد مغنیه، محمدباقر بهبهانی و... نیز ادعای اتفاق کرده‌اند. البته در این زمینه ادله فراوانی وجود دارد که حرمت جاسوسی و تجسس را اثبات می‌کند، اینک این ادله بررسی می‌شود.

۳-۱. ادله نقلی

آیات و روایات فراوانی وجود دارد که تجسس را که یکی از کارهای جاسوسان است، قبیح شمرده است و بر عدم جواز آن تأکید می‌کنند. این ادله در ادامه بررسی می‌شوند.

۳-۱-۱. آیات

الف) قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات در بیان حکم تجسس می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها (ظن‌ها) اجتناب کنید؛ زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است، و تجسس نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را روا مدارد؛ (زیرا) آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر (دینی) خود را پس از مردن بخورد، البته کراهت و نفرت دارید و پروای خدا را داشته باشید (و توبه کنید)؛ زیرا خداوند تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. در این آیه چند حکم اجتماعی بیان شده است، ولی آنچه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، تجسس است و قرآن کریم مؤمنان را از آن نهی می‌کند و نهی هم دلالت بر حرمت دارد، با صرف نظر از اینکه حرمت تجسس، مورد اتفاق بوده و هیچ‌گونه خلافی در آن نیست. در حقیقت، خداوند سبحان در آیه یادشده،

مؤمن را برادر مؤمن، و آبروی او را نیز مانند گوشت تن او قرار داده و از بین بردن آن آبرو [از راه غیبت و افشاگری اسرار و عیوب پنهانی مؤمنین] را نیز به منزله خوردن گوشت او معرفی کرده است. این تعبیر، برای این است که غیبت درباره افرادی که حضور ندارند تا از خود دفاع کنند، به مثابه این است که او را به صورت یک مرده فرض کرده باشند (انصاری، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۱۵).

ب) خداوند در آیه ۱۹ سوره نور می‌فرماید: «انَّ الَّذِینَ یُجْبُونَ انَّ تَشِیحَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ الِیمُّ»؛ به‌درستی آنان که دوست دارند فاحشه (کارهای بسیار زشت) در میان مؤمنان رایج شود، برایشان عذاب دردناکی است. گرچه این آیه شریفه به‌طور خاص درباره تجسس وارد نشده است و حکم تجسس را به‌صراحت بیان نمی‌کند، ولی به‌طور کلی شایع کردن فحشا را تحریم می‌کند و تجسس، تفتیش و عیب مردم را آشکار کردن را هم شامل می‌شود.

۳-۱-۲. روایات

احادیث فراوانی وجود دارد که پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) مردم را از تجسس درباره دیگران نهی کرده و بر حفظ اسرار و آبروی مؤمنان تأکید کرده‌اند. در همین زمینه، کلینی با سند خود از امام صادق(ع) روایت می‌کند که پیامبر اسلام(ص) فرمود: «درباره لغزش‌های مؤمنین تجسس و جست‌وجو نکنید؛ زیرا هر کس لغزش‌های برادران مؤمن خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزش‌های خود او را پی‌جویی خواهد کرد، و چنین کسی را خداوند بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت هر چند که در درون خانه‌اش باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲، ۳۵۵). در کتاب غررالحکم از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده که فرمود: «پی‌جویی و کنجکاو‌ی نسبت به اسرار و امور پنهانی مردم از بدترین گناهان است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۲۵). قرطبی در تفسیر خود از «بوبرزه اسلمی» نقل کرده است که پیامبر اسلام(ص) فرمود: «ای کسانی که اسلام را فقط در حد اقرار با زبان پذیرفته‌اید و هنوز نور آن در ژرفای دلهایتان رسوخ نیافته است، مسلمانان را غیبت و افشاگری نکنید، و اسرار و عیوب آنان را مورد تجسس و پی‌جویی قرار ندهید، چون کسی که عیوب و اسرار مسلمانان را پی‌جویی و دنبال کند، خداوند نیز عیوب و اسرار خود او را دنبال خواهد کرد، و سرانجام نیز چنین کسی را در خانه خود بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج: ۱۶، ۳۳۳).

بر اساس روایات، که در اینجا پاره‌ای از آن‌ها نقل شد این مطلب نمایان می‌شود که شریعت اسلام برای حقوق افراد جامعه اسلامی و حفظ آبرو و کتمان اسرار آنان اهمیت ویژه‌ای قائل است و در این زمینه، نباید حقوق افراد جامعه با تجسس و تفتیش مورد

خدا و آسیب قرار گیرد و مأموران امنیتی و دستگاه‌های اطلاعاتی نمی‌توانند در امور شخصی افراد به تفتیش بپردازند، همان‌طور که در ماده‌های ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی این مطلب آمده است، البته درست است که شارع مقدس حفظ حریم افراد جامعه را، محترم شمرده است، ولی شارع مقدس به جهت رعایت مصالح نظام، تجسس و تفتیش در حریم افراد جامعه را مجاز دانسته است.

۲-۳. دلیل عقلی

دلیل عقلی به عنوان یکی از ادله مهم و پشتوانه خوبی برای حفظ حریم افراد در جامعه است و همه عقلای عالم و صاحبان خرد بر وجوب حفظ اسرار و امور پنهان مردم تأکید می‌کنند. بر این اساس، تجسس و تفتیش امور شخصی افراد جامعه جایز نخواهد بود؛ زیرا افشای اسرار مردم و تفتیش درباره آن با کرامت انسانی و رعایت حریم افراد سازگار نیست. در واقع، مسأله وجوب حفظ آبرو و اسرار مسلمانان از جمله مسائل مهم و حیاتی است که باید در نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا وجوب آن به ادله بدیهی وجدانی، عقلی و شرعی مستند است. بر اساس حکم عقل، اصل و قاعده این است که هیچ‌کس بر دیگری ولایت و سلطه نداشته باشد. در حالی که زیر نظر گرفتن پنهانی دیگران و کنکاش و جست‌وجو کردن درباره آنان و نیز افشاگری و پخش کردن عیب‌ها و اسرارشان نوعی سلطه و دخالت درباره دیگران به شمار می‌آید. بنابراین، «اصل اولی»، یعنی قاعده عقلی، عدم جواز آن را نمایان می‌کند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۸۳). مطابق با این معنا، و برای حفظ کرامت انسانی به نحو مطلوب، بر مأموران امنیتی در نظام اسلامی باید صیانت از حریم خصوصی افراد را جدی بگیرند؛ زیرا زیر نظر گرفتن و تجسس در امور پنهانی افراد و کاوش در زندگی شخصی آنان بسیار قبیح است و عقل انجام‌دهنده آن را سرزنش می‌کند، بنابراین، اصل اولی عقلی عدم جواز تجسس در امور شخصی دیگران است. البته در عین حال که عقل، حفظ حریم افراد جامعه را محترم شمرده است، ولی عقل این اجازه را نیز داده است که برای رعایت مصالح نظام همین حریم افراد مورد تفتیش و تجسس واقع شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی آیات قرآن کریم، روایات، و عقل این نتیجه حاصل می‌شود که بی‌شک جاسوسی و کسب اطلاعات برای کشورها به دلیل حفظ نظام خود در برابر رخنه‌ها و آسیب‌های احتمالی مطلوب، بلکه لازم به نظر می‌رسد و در این زمینه، نظام اسلامی باید از

سیستم اطلاعاتی و تشکیلات خاصی برخوردار باشد تا بتواند از آرمان‌ها و دستاوردهای ارزشمند خود پاسداری کنند و در سایه ثبات و امنیتی که از این راه به دست می‌آید، از همه ظرفیت‌های جامعه آرمانی خود بهره‌مند شود و کارآمدی نظام سیاسی شریعت‌مدار را به منصفه ظهور برساند.

با توجه به مباحث یادشده، و بر اساس ادله‌ای که واکاوی شد، می‌توان ادعا کرد مسأله جاسوسی و کسب اطلاعات در صورتی که جنبه اجتماعی داشته باشد، مطلوب است، ولی اگر جنبه فردی آن مد نظر قرار گیرد، جایز نیست؛ مگر اینکه مصلحت اهمی مانند حفظ نظام در میان باشد که در این صورت، گرچه مورد جاسوسی از امور فردی و شخصی است، ولی به منظور رعایت مصلحت اهم جاسوسی و تجسس بی‌اشکال خواهد بود. در واقع، در بحث جاسوسی باید ضوابطی مد نظر قرار گیرد و آن اینکه تجسس در مرحله نخست، از اسرار و امور پنهانی مردم جایز نیست، ولی در صورتی که مصلحت جاسوسی بیشتر از مصلحت حفظ اسرار مردم باشد، کسب اخبار، جایز، بلکه گاهی واجب نیز در نظر گرفته می‌شود. به تعبیر دیگر، شارع مقدس در عین حال که حفظ حریم افراد جامعه را محترم شمرده، اجازه داده است که برای رعایت مصالح نظام همین حریم افراد مورد تفتیش و تحقیق واقع شود. شایان توجه است کسب اخبار و اطلاعات در امور شخصی افراد جامعه در حد ضرورت جایز است، و بیشتر از آن حد یا در چیزهایی که مدخلیتی در هدف از کسب خبر ندارد، حرام است، آنگونه که پس از تجسس کردن، تا جایی که ضرورت اقتضا نکند، اسرار مردم را فاش نکند، زیرا آبروی افراد را بردن حرام است؛ و بر این اساس باید تجسس در حوزه فردی به وسیله افرادی صورت گیرد که مورد اطمینان کامل بوده و در حفظ اسرار مردم کوشا باشند.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول*. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
 ۲. ابن هشام الحمیری، عبدالملک (بی تا). *السیره النبویه*. تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأیباری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.
 ۴. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۱). *اطلاعات و تحقیقات در اسلام*. تهران: نشر دادگستر.

۵. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زیده البیان فی أحكام القرآن*. تهران: المكتبه الجعفریه لإحياء الآثار الجعفریه.
۶. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول، لبنان و سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. البلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۷۴). *انساب الأشراف*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالکلم*. چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۰. جعفری، یعقوب (۱۳۷۱). *مسلمانان در بستر تاریخ*. چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح*. چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. خرازی، محسن (بی تا). *کاوشی در حکم فقهی تجسس*. *مجله فقه اهل بیت (ع)*. شماره ۲۶، صفحات ۱۵۴-۱۴۲.
۱۴. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). *فتح القدير*. دمشق، بیروت: دارابن کثیر، دارالکلم الطیب.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲). *الروضه البهیة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. القشیری النیشابوری، مسلم (بی تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دارالفکر.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). *سلسله النبیایع الفقهیه*. چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعہ، الدارالاسلامیه.
۲۳. مشکینی، میرزا علی (۱۳۸۶). *مصطلحات الفقه*. قم: الهادی.
۲۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲). بحوث فقهیه هامه. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۲۷. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی. چاپ اول، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، قم: مؤسسه کیهان.
۲۸. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فصلنامه
علمی
پژوهشی

مستقیم